

# انحراف از مسیر اصلی اسلام

پرده ضخیمی که میان "اروپائیها" و "اسلام" مانع شده عقب ماندگی مسلمانان است .

انحراف فکری و عملی مسلمین از آن ، بی شک مایه بدبختی و سقوط خواهد بود .  
 بعد از پیامبر بزرگوار اسلام ، چند صباحی تابش نور محمدی (ص) کم و بیش ، مسلمین را گرم نگه داشت ولی کم کم انحراف از مسیر اصلی اسلام میان مسلمین پدید آمد . قسمتی از مسائل اعتقادی و فکری اسلامی به غلط توجیه گردید و در اعمال و رفتار مسلمین ، فتور و نادارستی جلوه گر شد .  
 از یکسو مسائلی از قبیل سرنوشت ملازم باجبریگری ، تقیه به معنی تن به ستم دادن ، انتظار تحریف شده به مفهوم تحمل انواع بی عدالتیها کردن و در برابر قانون شکنیها و جنایات بی تفاوت بودن ، اعتقاد به آخرت به معنی محرومیت از زندگی دنیا ،

چنانکه در بحثهای پیش توضیح دادیم عقب ماندگی مسلمین ، عوامل زیادی دارد که هر کدام به سهم خود در انحطاط و عقب ماندگی آنان اثر قطعی داشته است ، ولی به عقیده ما بزرگترین و مهمترین عامل آن ، انحراف فکری و عملی مسلمین از تعالیم اسلام است زیرا دین اسلام همانند نسخه شفابخشی است که یزشک حاد قتی آنرا برای معالجه بیماری تجویز می کند ، بدیهی است که اگر در مواد آن دگرگونی بعمل آید و یادار مقام عمل از آن کوتاهی شود ، نه تنها نتیجه مطلوب نخواهد داشت بلکه هلاک کننده نیز خواهد بود .  
 عقاید و دستورات اسلامی نیز ، روی فلسفه خاصی تشریح و تنظیم شده که



بسیاری از برنامه‌های اسلامی از معانی اصلی خود منحرف شده‌اند و از رهگذر بدعتها و خرافاتی که در جامعه اسلامی پدید آمده مردم به جمود و عدم تحرکی که امروز آنرا از ناحیه اسلام می‌شناسند، کشانده شده‌اند ما از آنها و از تهمت‌هایی که به خدا و دینش می‌زنند، به خدا پناه می‌بریم.

بنابراین آنچه امروز عیب مسلمین شمرده می‌شود، مربوط به اسلام نیست بلکه چیز دیگری است که به نام اسلام معروف شده است.

مرحوم سید جمال الدین اسدآبادی فیلسوف اسلامی نیز معتقد است بدبختی و عقب افتادگی مسلمین، ضمیمترین پرده‌ای است که میان اسلام و ملت‌های اروپا حائل شده و مانع از گرایش آنان به اسلام شده است. او پیشنهاد می‌کند "ماهرگاه بخواهیم آزادیخواهان اروپا را به دینمان دعوت کنیم در درجه اول باید آنان را قانع کنیم که ما مسلمان واقعی نیستیم زیرا آنان به ما از خلال قرآن این چنین نگاه می‌کنند (اودست‌های را بلند کرد و بین انگشتانش را باز کرد) و پشت سر آن مردمی را می‌بینند که در میانشان جهل و ذلت و سستی و ... رواج یافته است آنگاه اضافه می‌کنند اگر این کتاب (قرآن) حق بود و اصلاحگر، هیچگاه پیروانش نمی‌باید به چنین روز سیاهی افتاده باشند ..."

زهد مسخ شد و به معنی پشت پا زدن به زندگی مادی، شفاعت به مفهوم همه بار گناه را در برابر یک ابراز ارادت دروغین، بگسردن شفیعان الهی انداختن، صبر به معنی هیچگونه تلاشی در برابر مسئولیتها و حوادث از خود نشان ندادن و همهء بدبختیها را با آغوش باز پذیرفتن و ... تفسیر گردید.

وازسوی دیگر، مسلمین، حربیم دستورات الهی را شکسته انواع محرمات را مرتکب شده و واجبات الهی را ترک نموده بسیاری از برنامه‌های زندگی ساز اسلام را زیر پا نهادند تا جائیکه زنا، ربا، شرب خمر، تقلب، تجاوز، حق‌کشی، جنایت، فحشاء، بیدادگری و ... در میانشان رواج پیدا کرد و آنچه راکه دشمن به دشمن نمی‌پسندد نسبت به یکدیگر روا داشتند.

محمد عبده متفکر بزرگ اسلامی درباره اینکۀ بر اثر انحراف مسلمین از مسیر اصلی اسلام، جزرابطه اسمی میان اسلام و مسلمین باقی نمانده و همین خود مایه عقب ماندگی مسلمین و عیب گرفتن دیگران از اسلام گردیده چنین می‌نویسد "بسیاری از چیزهایی که هم اکنون می‌بینید و مردم آنها را از اسلام می‌دانند، از اسلام نیستند و اعمالی از قبیل نماز، روزه و حج تنها صورت بیرونی از آنها باقی مانده است و

"اسلام" بود و بس.

لیکن بسیاری از مردم درباره علل عقب ماندگی مسلمین و از بین رفتن نیرو و تمدنشان باهم اختلاف دارند.

برخی این انحطاط را معلول خود اسلام می دانند، در صورتیکه آدم آگساز و روشن نمی تواند چنین حرفی را قبول کند زیرا اسلامی که خود عامل پیشرفت و تمدن بوده چگونه ممکن است عامل عقب ماندگی و بدبختی نیز باشد؟ و بسیار روشن است که یک چیز نمی تواند اثرات متضاد داشته باشد بنا بر این، اگر دین مسلمین تأثیری در بدبختی و عقب ماندگی آنان در این اعصار داشته قطعاً از غیر آن جهتی است که مایه پیشرفت گذشتگان بوده است و بدون شک آن جهت همان بدعتها و پدیده های نوی است که روی جهات و خودخواهی در متن دین پدید آوردند و از این رهگذر وحدت کلمه مسلمین را از بین برده آنان را از صراط مستقیم منحرف نمودند.

و روی همین جهت است که بررسی مسائل مربوط به بدعتها و انحرافها منافع زیادی برای مسلمین چه در امر دین و چه در امر دنیایشان در بر خواهد داشت و به رهبران اصلاح جوامع اسلامی امکان خواهد داد که

گرچه تحریف حقائق و انحراف فکری از مسائل اعتقادی اسلام، در نظر سطحی و ابتدائی آنقدر مهم جلوه نمی کند و ممکن است افراد کم بینش آنرا مهم ندانند ولی در مقام تحلیل، اثرات سوء آن از انحراف عملی خطرناکتر است زیرا فکر سرمنشاء عمل است و بی شک افکار و عقاید انحرافی، اعمال نادرست و انحرافی به دنبال خواهد داشت و اکثر جنایتها از همین رهگذر در جامعه پدید آمده و می آید.

"رشیدرضا" مولف تفسیر معروف "المنار" مقدمه ای که بر کتاب نفیست "الاعتصام" تالیف دانشمند معروف "ابو اسحق ابراهیم بن موسی بن محمد لخمی شاطبی غرناطی" نوشته در باره نقش عامل فوق (انحراف فکری) در عقب ماندگی مسلمین چنین ادامه می دهد "علمای الاجتماع و سیاستمداران و مورخان اسلامی و غیر اسلامی اتفاق دارند تنها عاملی که در برهه ای از زمان به عربها (مسلمین) در همه زمینه های فرهنگی و اجتماعی و روحی نیرو بخشید و آنان را در پیشرفت فرهنگ و تمدن انسانی مدد کرد و باهم متحد ساخت

۲- شاید حدیث معروف نبوی "نیه المومن خیر من عمله و نیه الکافر شر من عمله" روی همین اصل سرچشمگی نیست و فکرچه خوب و چه بد برای عمل قابل توجیسه تر باشد (به اربعین شیخ بهائی ص ۲۲۹-۲۳۲)

که پیامبر بزرگوار اسلام می‌خواست اسلام همچنانکه هست در اختیار مسلمین قرار گیرد و بدان عمل شود و از کج‌فهمی و انحراف و بدعت در دین که مایه ذلت و گمراهی و سقوط است، جلوگیری بعمل آید.

ولی متأسفانه چنانکه رسول‌خدا پیش‌بینی می‌فرمود " چنانکه اسلام در آغاز غریب بود، به زودی نیز غریب خواهد شد پس درود بر غربا آنانکه به کتاب خدا هنگامی که متروک شده تمسک می‌جویند، و به سنت، هنگامی که خاموش شده عمل می‌کنند، و هنگامی که مردم فاسد شده‌اند شایستگی پیشه‌ساخته و به اصلاح جامعه بقیه در صفحه ۴۴

با این عامل بزرگ عقب ماندگی مسارزه نمایند... " ۳

علیهذا اینکه می‌بینیم قرآن مجید مردم را از انحراف از راه راست بر حذر می‌دارد<sup>۴</sup> و آنان را به چنگ زدن به‌ریسمان خدا که همان قرآن و اهلبیت پیامبر اکرم (ص) است، دعوت می‌کند و همچنین پیامبر بزرگوار اسلام، در حدیث معروف "تقلین" مردم را به تمسک به کتاب و عترت ترغیب می‌کند و انحراف از ایندو را مایه گمراهی می‌داند<sup>۵</sup> و حتی در آخرین لحظات زندگی می‌خواست در این باره وصیت کند که نگذاشتند<sup>۶</sup> همه<sup>۷</sup> این رهنمائیها و مراقبت‌ها و تاکیدها و دستور العملها به این جهت بوده



- ۳- الاعتصام ج ۱ ص ۳-۴  
 ۴- وان هذا صراطي مستقيما فتبعوه ولا تتبعوا السبل فتفرق بكم عن سبيله (انعام ۱۵۳)  
 ۵- اني نارك فيكم الثقلين ما ان تمسكتم بهما لن تضلوا بعدي: كتاب الله حمل مدود من السماء الى الارض و عترتي اهل بيتي و لن يفترقا حتى يردا علي الحوض فانظروا كيف تخلفوني فيهما (در کتاب " غايه المرام " این حدیث با اختلافی که در متن دارد، از طرق اهل سنت به ۳۹ طریق و از طرق شیعه به ۸۲ طریق نقل شده است).  
 ۶- بخاری در جلد اول صحیح خود ص ۳۹ این داستان را اینطور نقل می‌کند لما اشتد بالنبي صلى الله عليه وسلم وجعه قال ائتنوني بكتاب اكتب لكم كتابا لا تضلوا بعده قال عمر ان النبي (ص) عليه الوجع و عندنا كتاب الله حسينا، فاختلفوا و كثر اللغظ قال قوموا عنى ولا ينبغى عندى التنازع.  
 فخرج ابن عباس يقول ان الزبیه كل الزبیه لآل حال بين رسول الله وبين كتابه " یعنی هنگامی که مرض رسول‌خدا شدت پیدا کرد، فرمود برایم کاغذی بیاورید تا برای شما چیزی بنویسم (یعنی دستور نوشتنش را صادر کنم) که بعد از آن گمراه نشوید، عمر گفت درد بر رسول‌خدا غلبه کرده و پیش ما کتاب خداست که کفایتمان خواهد کرد. آنگاه در میانشان اختلاف و بگو مگو زیاد شد تا آنکه رسول‌خدا (ص) فرمود از پیشم بروید که نزد من نزاع و گفتگو جایز نیست.  
 آنگاه ابن عباس از محضرش بیرون رفت و می‌گفت تمام بدبختی همین بود که نگذاشتند رسول‌خدا آن نامه را مرقوم فرماید"

# بردهاوس ما محدود است .

آیا مسائل " منافیزیک " را می توان با این حواس محدود اندازه گیری نمود ؟

- از بدیهیات است که
- ۱- انسان وجود دارد
  - ۲- این موجود در کره ی زمین وجود دارد .
  - ۳- کره ی زمین یکی از ستارگان منظومه شمسی است .
  - ۴- منظومه ی شمسی یکی از منظومه های جهان هستی است .
  - ۵- جهان هستی بیکران است .
  - ۶- انسان با جهان هستی بستگی و پیوستگی دارد .
  - ۷- این ارتباط و پیوستگی با دستگاه های حواس پنجگانه ما " بینائی " ، " شنوایی " ، " بویائی " ، " چشائی " ، " بویائی " تامین می گردد .
  - ۸- حاصل کار این دستگاه ها به نیروی کهربائی می انجامد .
- ۹- این نیروهای الکتریسیته را می توان با دستگاههایی ثبت و ضبط نمود .
- ۱۰- سرانجام با این دستگاه ها امواج خارج از وجود انسان را می گیریم و با فعل و انفعالاتی تبدیل به درک میکنیم .
- ۱۱- متاسفانه دستگاه های حسی ما - از هر نوع باشد - امواجی محدود بین یک اندازه ی مشخص بیشینه ( حداکثر ) و کمینه ( حداقل ) را میگیرد و ضبط و درک می کند و بالاتر و پائین تر از آن مرز را نمی تواند بگیرد و درک کند .
- ۱۲- ناچار امواجی اعم از بینائی و شنوایی و ... را که بیرون از مرز گیرندگی باشند حس مانمی تواند درک نماید .
- ۱۳- پس میشود چیزهایی در جهان هستی وجود داشته باشد که چون از مرز گیرندگی حواس ما بیرون است ، ما

نمی توانیم دریابیم و در نیافتن ما چیزی را دلیل بر نبودن آن چیز نیست .

۱۴- اگر چنین است ما باید در محدودهای امکانات حسی خود بپندیشیم و هرچه را نمی دانیم منکر نشویم و به قول ابن سینا شیخ الرئیس آنرا در محل امکان بگذاریم .

۱۵- تا یک قرن پیش که علوم تا به این حد پیش نرفته بود نمی توانستیم تصور کنیم که از فاصله دور هم می توان دید و هم می توان شنید .

۱۶- تلفون، تلگراف و تلویزیون اختراع و ممکن گردید شما امروز آنرا می توانید بانقطه دور تماس بگیرید و بشنوید و ببینید و در آینده شاید بچشید و ببوئید . . .

xxx

ریگی به حوض آبی بیفکنید . امواجی

پدید می آید که سرانجام به بدنه ی حوض میخورد و برمیگردد تا از نظر ناپدید و نابود میشود . اما در جهان هستی و بیکران آن ، که کناره و بدنه ای وجود ندارد و بیکران است ، امواج همچنان میروند و ادامه می یابند امواج وجود دارند و نابود نمی شوند . جهان هستی تشعشع و امواج است انسان نیز که جزئی از جهان هستی است موجی یا موجهایی است که دستگاه های ویژه ای بعضی از آن امواج

را میگیرند . امواج قلب ، مغز ، عضله . . . را دستگاه ها ضبط می کنند . متوجه وجود انسانی موجی است و چون موجی است ، مانند سایر امواج ، در بیکران همچنان نوسان دارند . اگر روزی دستگاهی گیرنده که بتواند آنها را بگیرد ، ساخته شود ، می توان امواج انسانی را که به صورت ارتعاشات صوتی ، بصری . . . در جهان شناورند اخذ کرد و باین ترتیب بعید نیست روزی روزگاری گیرنده هایی بتوانند آثار حیاتی انسان ها را از بیکران بگیرند و به اطلاع ما برسانند مثلاً تلویزیونی اختراع شود که شکل و شمایل و صدا و گفتگوهای انسان های گذشته را از وضع و شریف و بزرگ و کوچک ، نادان و دانشمند و بالاخره انبیاء و بزرگان بشری را به ما نشان دهد . . .

شاید بیاید روزی که بیشینه ها و

کمینه های ارتعاشاتی که مرز حواس پنجگانه ما را محدود میسازد تغییر کند و آنگاه بالاتر و پائین تر از این حد ها را هم که امروز در نمی یابیم ، دریابیم و از مجهولات ما کاسته شود . تا آنروز منکر هرچه که در نمی یابیم نشویم تا اگر روزی دریافتنی شد ، غافل نباشیم .

xxxx

بقیه در صفحه ۴۴

# اثر عجب تشویق و ورزشی

فعالیت ذهن را بالا برده مدت واکنش را کم می‌نماید و سبب می‌شود که مطالب آسانی در صفحه ذهن جلوه‌گر گردند، بنا بر این فراگیری ذهنی به وسیله اعمال لذت بخش زیاد شده، امور و مطالب، زیر تاثیر آن بهتر و سریعتر تحقق می‌یابد. برعکس کارهای رنج‌آور ضد این نتایج را به بار می‌آورد و واکنش را طولانی می‌کند و بطور کلی اعمال ذهن را مختل می‌سازد.<sup>۳</sup>

مثلا محصلین وقتیکه بدانند پاسخ درست برای ایشان رضایت بخش است خیلی بهتر از موقعی یاد خواهند گرفت که بدانند پاسخ غلط برای آنان ملالت بار خواهد بود چون تحکیم مثبت در یادگیری و بجا آوردن

آدمی طبیعتا می‌خواهد اعمالش مورد قبول و پسند اطرافیان قرار گیرد. پس اگر خواسته باشیم افراد را به کارهای مفید و شایسته وادار کنیم باید کمال و هنر ایشان را مورد ستایش قرار دهیم تا از دل سردی و بی میلی آنان جلوگیری بعمل آوریم.<sup>۱</sup>

به عبارت دیگر هنگامی که اعمال درست و سودمند اشخاص با ستایش، تحکیم و تقویت یابد خیلی سریعتر و بیشتر انجام می‌گیرد از آن صورتیکه سرزنش یا ناراحتی بدنمال داشته باشد<sup>۲</sup>

اصولا کاری که لذت در پی دارد،



۱- روانشناسی پرورشی دکتر مهدی جلالی چاپ سوم ص ۲۲۲

۲- روانشناسی عمومی ص ۲۶۱

۳- روانشناسی پرورشی دکتر سیاسی چاپ دهم ص ۱۹۲

عده دوم را باز بدون توجه به نتیجه کار در مقابل کلاس بپا می داشتند و آنان را می ستودند . به گروه سوم چیزی نمی گفتند لیکن آنان شاهد ماقع بودند ، گروه چهارم بکلی از این جریانات غافل بود و در اطاق جداگانه در آزمایش شرکت می کرد .

از این آزمایش چنین نتیجه بدست آمد که عده متوسط مسائلی که هر گروه در روز اول حل کرده بود یکی بود - یعنی دوازده مساله - در روز دوم گروه ستوده شده و گروه سرزنش شده پیشرفت مساوی داشتند ، یعنی شانزده مساله حل کردند . از آن روز بعد گروه سرزنش شده پس افتاد و گروه ستوده شده پیشرفت کرد . دو گروه دیگر پیشرفت معینی نکردند .

از این مطالب ثابت می گردد که برای انجام کار و ادامه آن ، تحسین و تشویق انگیزه مهم و اصل مسلمی است .

xxx

### اهمیت تشویق از نظر قرآن

در قرآن مجید از این اصل یاد شده و پیشوایان دینی ما نیز بان اهمیت زیادی

کارها ، موثرتر از تحکیم منفی است ، از اینجهت لازم است که ما کارهای سودمند افراد را ستایش نماییم ۴

xxx

### یک آمار جالب

روانشناسان در این زمینه بتحقیقات و آزمایشهای شمر بخشی پرداخته اند ، از جمله آزمایشی است که در مورد ۱۰۶ نفر دانش آموز ابتدائی انجام شده است و ما آنرا عینا از کتاب " اصول روانشناسی مان " نقل می کنیم ۵ " این ۱۰۶ نفر را بچهار گروه تقسیم کردند دیدند که استعداد حساب ، در همه گروهها یکسان است کاریکه بآنها رجوع کردند این بود که در پانزده دقیقه وقت هر قدر بتوانند از سی مساله حساب که بآنها رجوع شده بود حل کنند .

آزمایش پنج روز طول کشید ، گروه اول را هر روز جلوی کلاس برپا می داشتند و آنرا برای بدی کارشان ( بدون اینکه به نتیجه کار آنها توجه کرده باشند ) سرزنش می کردند . البته این گروه البته نمی دانست چه مقدار از مسائل را درست حل کرده است

۴- روانشناسی عمومی ص ۲۶۲  
۵- اصول روانشناسی مان ترجمه دکتر صنای ص ۲۲۸



از کارگاهها بعمل آورد ، دریافت که اهمیت دادن بکارگران و التفات و وابستگی خاص بهایشان سبب می‌گردد که تولید وسائل الکتریکی بالا برود . ۷

پیش از این دانستیم که ستایش در پیشرفت تحصیل دانش سهم بسزایی دارد ، بدین جهت است که امام باقر ( ع ) می‌فرماید : رویه‌پدوم برایم بود که هروقت بجوانانیکه در جستجوی فراگیری دانش بودند ، نظر می‌افکند ، آنان را به نزد خود می‌آورد و مورد تشویق قرار می‌داد و می‌فرمود آفرین بشما ، شما گنجینه‌های دانشید ، اکنون جزء بزرگان ملتی نیستید ، اما بزودی از بزرگان ملت دیگری خواهید بود . ۸

و همچنین امام صادق علیه‌السلام افراد شایسته و دانشمند و کسانی را که در راه تحقیق و دانش بودند تحسین و ستایش می‌فرمود " هشام بن حکم " شخصی بود که در علوم عقلی و کلام ، تبحر داشت و از سنین کودکی در پی دانش و حقیقت جویی بود . روزی بهنگامی که هنوز نوجوانی بود و تازه سیزده عارضش دمیده بود ، در منی خدمت امام رسید و عده‌ای از بزرگان و سالخوردگان شیعه حضور داشتند . حضرت برای تشویق

داده‌اند و کسانی را که در راه دانش و کمال گام برمی‌داشتند مورد تشویق و ستایش فراوان قرار می‌دادند .

خداوند به پیغمبرش چنین دستور می‌دهد خذ من اموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم بها و صل علیهم ان صلوتک سکن لهم واللّه سمیع علیم . ۶

از اموال مردم زکات بگیر تا از آلودگی دلبستگی بمادیات ، پاکشان سازی و نیز بدینوسیله نفوسشان را تزکیه نموده بفضائل آراسته‌گردانی ، سپس درباره ایشان دعا کن و ایشان را مورد تمجید قرار بده زیرا این امر سبب تثبیت ایشان برای ادامه این کار خواهد شد .

مسلم است که تنها مزد و پاداش مادی نیست که افراد را وادار می‌کند تا تلاش خود را زیاده‌تر و اعمالشان را بنحوشایسته‌تری انجام دهند ، بلکه نحوه برخورد کسیکه در راس قرار دارد و همچنین طرز معاشرت و گفتارش در وضع روانی و ایجاد و تشدید تمایلات ایشان نسبت بفرآگیری یا کاری که می‌خواهند انجام بدهند ، از عوامل بسیار مهم بشمار می‌آید . روی همین اصل یکی از کمپانی‌های صنعتی طبق آزمایشی که در یکی

۶ - سوره توبه آیه ۱۰۳

۷ - اصول روانشناسی مان ترجمه دکتر صناعی صفحه ۳۹۹  
 ۸ - عن الباقر ( ع ) کان ابی‌زین العابدین اذا نظر الی الشباب الذین یطلبون العلم ادناهم الیه وقال مرحبا بکم انتم ودائع العلم یوشک اذا انتم صغار قوم ان تکتونوا کبارا آخرین . (انوارالبهیة محدث قمی چاپ کتابفروشی جعفری ص ۵۳)

را تکرار کنند ترقی و تکامل می‌نمایند، زیرا بواسطه دانشها و صفات خود بخودی که بوجود می‌آورند، پیشرفت می‌کنند، و این نتیجه حاصل می‌گردد که اعمال و درکهای ماسریعتر و دقیقتر انجام می‌پذیرد و حرکات بی‌فائده که در ابتدای کار ضمیمه موضوع اصلی و مایه اتلاف وقت و رنج و زحمت بوده از میان می‌رود<sup>۹</sup> علاوه‌آوردن از قید فعالیت‌های اضافی آزاد ساخته بشخص، مجال می‌دهد که دقت خود را بکارهای عالی تری مصروف دارد و با اتکاء بگذشته تکامل خود را همواره تعقیب کند.

برای اثبات این امر کافی است شخصی را که برای بار اول می‌خواهد معادلات جبری را فرا بگیرد مورد مشاهده قرار دهیم اشکال کار برای یادگیرنده نه از آنجهت است که بقدر کفایت فعالیت ذهنی ندارد، شاید هم بیشتر آنچه لازم است توجه و دقت داشته باشد اما اشکال کار در اینجا است که او هنوز در مراحل اولیه فراگیری است، و باید بر اثر تکرار و تمرین، مهارت و سرعت در کارش پدید آید تا بتواند با سانی مفاهیم را دریافته بمورد عمل درآورد

بقیه در صفحه ۴۴

بهشام ارج نهاد و ویرا برحاضران مقدم داشت و مقام او را بلند گردانید. این امر بر برخی از آنان گران آمد حضرت به ایشان فرمود، احترام و اکرام من نسبت به‌این نوجوان، از آنجهت است که ما را (بوسیله دانش خود) با تمام قوا یاری می‌کند<sup>۹</sup>

xxx

### ورزیدگی قلبی موجب سرعت ادراک

و پیشرفت کار می‌گردد

از عوامل مهمی که تا اندازه قابل توجهی در کیفیت درک تاثیر دارد تمرین و ورزیدگی قلبی است، تکرار فراوان عکس‌العمل و تاثیر را غیر ارادی و خودبخود می‌سازد و باعث می‌گردد که مطالب بدون هیچگونه مانع و زحمتی مفهوم و میسر گردد، مقصود از اینکه امری خودبخود انجام می‌یابد این است که آن امر کاملاً صورت بگیرد بدون اینکه برای انجام یا درک آن توجه و فعالیت زیادی لازم باشد. اگر اشخاص مطالب ارزنده و سودمند

۹- فی سفینه البحار ماده "هشم" ان هشام بن حکم لما دخل علی الصادق (ع) یعنی وهو غلام اول ما اختط عارضاه وفي مجلسه شیوخ الشیعه... فرغه علی جماعتهم و لیس فیهم الا من هو اکبر سنا فلما رای أبو عبد الله (ع) ان ذلک الفعل کبر علی اصحابه قال: هذا ناصرنا بقلبه ولسانه ویده.  
۱۰- روانشناسی پرورشی دکتر سیاسی ص ۲۵۵ چاپ دهم.

# تلویزیون و اطفال

x نادوره دبیرستان نوجوان ها ۱۲ هزار ساعت پای تلویزیون می نشینند و چه درسهائی را که در این دوران می آموزند؟  
x تلویزیون خواب کودکان را بهم زده است .  
x بسیاری از کودکان ساعاتی را که صرف تلویزیون می کنند بیش از ساعاتی است که در مدرسه می گذرانند .

ملی ایران روز به روز بر شمار بینندگان برنامه های تلویزیونی افزوده می شود . بطوری که امروز تخمین می زنند که بیش از  $\frac{1}{4}$  جمعیت کشور تماشاچیان تلویزیون اند و از این تعداد نزدیک به ده میلیون ، کودکان و نوجوانان کشور هستند . بنابراین لزوم ایجاد تحقیقات دامنه داری در مورد تاثیر برنامه های تلویزیونی بر رفتار ها ، معلومات ، سلیقه ها ، اوقات فراغت ، عواطف و امیال و بالاخره شخصیت کودکان و نوجوانان روز به روز بیشتر می شود .

تلویزیون در تمام دنیا ، ساعت خواب کودکان و نوجوانان را عقب برده است هر کودک و نوجوان در دوران تحصیل در دبستان و دبیرستان یک سال و نیم از عمر خود را به تماشای تلویزیون می گذرانند . کودکان ایرانی بیش از کودکان آمریکا و اروپا و ژاپن به تماشای تلویزیون علاقه مندند . برنامه های تلویزیونی وسیله ای برای آشنا شدن دختران و پسران جوان با هم است .  
باگسترش شبکه سراسری تلویزیون

نزاع، قتل، بدمستی و شکنجه لذت می‌برند تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که میزان خوش‌آیندی برنامه‌های خشونت آمیز برای کودکان بازنگری اقتصادی خانواده‌های آنان پیوند دارد کودکانی که در شرایط مساعد اقتصادی زیست می‌کنند کمتر و آنان که در شرایط نابسامان اقتصادی بسر می‌برند بیشتر از برنامه‌های خشونت بار لذت می‌برند.

بزرگسالان ایران برنامه‌های خشونت بار را کمتر مورد انتقاد قرار می‌دهند و بیشتر از وجود صحنه‌های سکسی در فیلم‌های تلویزیونی انتقاد می‌کنند و همین نگرش باعث می‌شود که آنان تا حد زیادی کودکان خود را در تماشای برنامه‌های خشونت آمیز آزاد بگذارند و تنها به این قناعت کنند که آب چشم کودکان‌شان ریخته نشود!

### بچه‌ها و نوع برنامه‌ها

تقریباً برای کودکان ایرانی تماشای برنامه‌های تلویزیونی جنبه‌ی تفریح و سرگرمی دارد و این جنبه در مورد کودکان خانواده‌های کم‌درآمد نیرومندتر است. کودکان خانواده‌های کم‌درآمد کمتر برنامه‌های علمی و آموزشی و فیلم‌های مستند را دوست دارند و بعکس بیشترین علاقه را به تماشای برنامه‌های سرگرم‌کننده و تفریحی نشان می‌دهند. اما

در ایران ۴۰٪ تماشاچیان برنامه‌های تلویزیون کودکان و ۳۰٪ نوجوانان و بر روی هم  $\frac{۳}{۴}$  کل تماشاچیان این برنامه‌ها کودکان و نوجوانان کشور هستند.

کودکان ایرانی بیش از کودکان کشورهای پیشرفته چون آمریکا، فرانسه، انگلیس و ژاپن به تماشای برنامه‌های تلویزیونی علاقه نشان می‌دهند و تقریباً بطور متوسط کودکانی که تلویزیون در خانه‌شان وجود دارد روزی سه ساعت از وقت خود را در کنار آن می‌گذرانند.

یکی از عوامل مهم علاقمندی کودکان ایرانی به تماشای برنامه‌های تلویزیونی شکاف عمیق موجود بین نسل پدر و مادرها و نسل نوخاسته‌ی امروزی است و بیشتر کودکان سرزمین ما بعزت نداشتن تفاهم کافی با بزرگتران خانواده "تلویزیون زده" شده‌اند چون اختلاف میان نسل نوخاسته‌ی ایران و نسل کهنه روز به روز بیشتر می‌شود می‌توان پیش بینی کرد که در ده سال آینده میزان علاقمندی کودکان به تماشای برنامه‌های تلویزیون با زهم بالاتر خواهد رفت.

### برنامه‌های خشونت بار

نزدیک به ۵٪ کودکان از برنامه‌های خشونت بار تلویزیون از دیدن صحنه‌های

کودکان خانواده‌های مرفه‌تر به تماشای برنامه‌های علمی و آموزشی علاقه‌ی نسبتاً زیادی نشان می‌دهند.

کودکان خانواده‌های کم درآمد خیلی کم از سریال‌های غربی خوششان می‌آید و میزان خوش‌آیندی این سریال‌ها برای کودکان خانواده‌های مرفه بیشتر است.

براساس تحقیقات انجام شده  $\frac{۳}{۴}$  کودکان ایرانی تماشای تلویزیون را بر تماشای سینما ترجیح می‌دهند و براساس آینده‌نگری‌هایی که شده است این تناسب در آینده به نفع تلویزیون و به زیان سینما برهم خواهد خورد.

### تلویزیون و خواب کودکان

تلویزیون به هر سرزمینی که رفته ساعت خواب بچه‌ها را عقب برده است. تلویزیون در زاین ۱۷ دقیقه و در کانادا ۱۱ دقیقه و در سایر ممالک پیشرفته کم و بیش بین ۱۵ تا ۳۰ دقیقه وقت خواب بچه‌ها را عقب انداخته است. در کشور ما نیز به‌طور مسلم تأثیری مشابه داشته و خواهد داشت براساس مشاهدات خانواده‌ها تلویزیون‌گاه خواب یک‌کودک سه تا چهارساله را پنج ساعت عقب انداخته است و کودکی که باید ساعت هشت شب بخواب رود در ساعت یک با مادام به بستر رفته است.

### کشتن وقت

براساس تحقیقات انجام شده هر کودک و نوجوان بطور متوسط سه ساعت از وقت خود را در شبانه روز به تماشای برنامه‌های تلویزیونی اختصاص می‌دهد بنابراین در طول دوازده سال تحصیلات دبستانی و دبیرستانی کودک بیش از دوازده هزار ساعت وقت خود را در کنار تلویزیون می‌گذراند. در کشور ما بسیاری از کودکان، ساعتی را که طی شبانه روز برای تماشای تلویزیون صرف می‌کنند بیش از ساعتی است که در مدرسه می‌گذرانند بنابراین در این مورد خانواده‌ها باید مواظبت کافی به خرج دهند تا کودکانشان بیش از حد، وقت خود را به تماشای برنامه‌های تلویزیونی نگذرانند زیرا در آن صورت از وقت درس و مشق خود مایه خواهند گذاشت.

### تمایل تماشای تلویزیون

تمایل به تماشای برنامه‌های تلویزیونی در کودک از دو تا سه سالگی آغاز می‌شود و سال بسال بالا می‌رود. کودک در سنین سیزده، چهارده سالگی شدیدترین تمایل را به تماشای برنامه‌های تلویزیونی

بقیه در صفحه ۴۳

# الکل، مؤثرترین عامل ناپاکی محیط اجتماعی

وقتی افراد مشروب الکلی میخورند، چه تغییراتی در مغز آنها رخ می دهد؟ ..  
اگر مردم این مسائل را بدانند دیگر لب به آن نخواهند زد

## قضیه آتش و پنبه

در حقیقت عده زیادی از روانشناسان

سان امور زناشویی، فساد اجتماع را به علت شیوع فراوان مشروب خواری می دانند این همه طلاق و این همه اختلاف زناشویی بدون شک قسمت عمده اش مربوط به این میخوارگی است.

کما این که در سالهای که در کشور " امریکا " خرید و فروش و مصرف الکل جرم بود طلاق و جدائی تا این درجه نبود.

## از دیرباز

این عقیده که می خوارگی عامل اصلی بی عفتی و فساد در جامعه است مسئله تازه ای نیست فلاسفه و دانشمندان یونان

روانشناسان و کارشناسان امور اجتماعی می گویند یک مرد متاهل را با زن و مرد دیگری به یک مهمانی دعوت کنید آن وقت یک بطری ویسکی هم بین آنها بگذارید دیری نمی گذرد که خود به خود آتشی در میان آنها شعله ور می شود. زیرا وضع آنها شبیه آتش و پنبه است که در کنار هم قرار گرفته باشند.

ممکن است آن مرد آدمی باعفت و وجدان باشد و آن زن هم پا از دایره عصمت بیرون نگذاشته باشد ولی اگر دست به می خواری بزنند، بی تردید عاقبت آنها همان خواهد بود که پیش بینی شده است.

باستان معتقد بودند که خرد و نیروی معنوی انسان از مغزش سرچشمه می‌گیرد که در کاسه سرش در بالاترین و ممتازترین محل بدنش قرار گرفته، از سوی دیگر خوی حیوانی و نفس اماره و شهوانی، مرکزش در قسمت‌های پائین بدن است و این به آن خاطر است که همیشه عقل بر خوی حیوانی و شهوانی غلبه داشته باشد.

اما نوشیدن شراب باعث می‌شود که مرکز غریزه و خوی حیوانی یکباره تغییر جا دهد و به نزدیک مغز آید و زمام امور را از دست این عضو شریف برباید آن وقت است که ابلیس در بدن انسان ماوا کرده است و نخستین اقدام ابلیس زناکاری و بی‌عفتی است که معمولا بعد از نوشیدن شراب و مشروب الکلی صورت می‌گیرد.

این تشریح حکما و فلاسفه یونان در قرن‌ها پیش از این بود، اکنون روانشناسان و پزشکان دوره تکنولوژی قضا نیز به همین نتیجه رسیده‌اند.

#### اثر الکل بر روی مغز

وقتی که آدمی مقدار مختصری نوشابه الکلی مینوشد ابتدا یک حالت نشاط آرامش و لذت به سراغش می‌آید که البته هنوز مقدار الکل نتوانسته بر روی قسمت‌های حساس مغز اثر بگذارد.

اما همین که گیلاس اول به گیلاس دوم و . . . منتهی شد، مقدار الکل که در خون است به سراغ سلول‌های بسیار حساس مغز می‌رود و پس از غرق کردن آنها در الکل تمام قدرت کنترل نیرومند مغز را یا به کلی از کار می‌اندازد یا فوق‌العاده ضعیف می‌کند وقتی سانسور مغز از میان برود، یعنی تمام قیود، منع از کارهای ناشایسته، پرهیز از مخاطره و خلاصه عقل سلیم با تمام ارزش‌های معنوی که شخص طی سال‌ها آموزش و پرورش بدست آورده موقتا (تازمانی که الکل در خون وجود دارد) نابود می‌شوند. شخص خود را در دنیائی مشاهده می‌کند که اجرای هیچ کاری زشت و ناپسند نیست. یعنی واقعا همان‌طور که فلاسفه یونان باستان گفته‌اند، خوی حیوانی و شیطانی برمسند و اریکه عقل و فرمانروائی می‌نشیند.

هنوز روانشناسان و پزشکان به‌طور دقیق نمی‌دانند که الکل چگونه بر مغز و بر کدام قسمت آن اثر می‌گذارد ولی این نکته را می‌دانند که قسمت سانسور مغز که حاوی مبانی اخلاقی و قیود اجتماعی است در پوسته مغز بنام کورتکس قرار دارد.

رسیدن الکل به کورتکس است که تمام مکانیسم آن را برهم می‌زند و موقتا کاری می‌کند که گوئی اصلا کورتکس یا مبانی

می‌شود و هم منحرف و بیمارگون می‌گردد .  
مسئولیت‌های گوناگونی که شخص داشته مثلا  
به‌عنوان یک پدر یا مادر یا همسر یا کارمند و  
یا هر چیز دیگر ، در این مرحله مطلقا از  
میان می‌رود و شخص ظاهرا خود را کاملا آزاد  
مشاهده می‌کند .

چون ادراک حواس مختل می‌گردد  
بنابراین در این مرحله شخص مست ( خواه  
مرد باشد و خواه زن ) صداها را خیلی آهسته  
و گوئی از راه دور می‌شنود ، به همین میزان هم  
چشمش خوب نمی‌بیند و اشیاء در نظر وی  
کج و معوج و متحرک هستند همین‌طور سایر  
حواس هم مختل می‌شوند پوست بدن مثل  
سابق دیگر نمی‌تواند به صاحبش خبر دهد  
که هوا سرد است یا گرم وقتی به چیزی دست  
می‌زند نمی‌تواند تشخیص دهد زبر است یا  
نرم ، تراست یا خشک .

در این مرحله یک مرد مست زشت -  
ترین زنان را زیبا ، جذاب و قابل معاشرت  
میداند . و به همین ترتیب یک زن با شخصیت  
و تحصیل کرده در این حالت از مستی صحبت  
احمق‌ترین مردها را جالب و مطبوع تشخیص  
می‌دهد .

اگر یک زن و یک مرد در کنار هم  
به این مرحله از مستی برسند صحنه‌های  
عجیبی مشاهده خواهد شد ، مرد در حالی  
که با کلمات نامفهوم و مقطع سعی می‌کند از

اخلاقی - ارزشهای اجتماعی - مسئولیتها  
- قضاوتها - حس تشخیص و شعور کاملا از  
میان رفته است .

زمانی که نوشیدن الکل از حد یک  
گیلاس گذشت الکلی که وارد خون شده  
همانطور که به همه دستگاههای بدن می‌رود  
به مغز هم می‌رسد و از آنجا آهسته آهسته  
کورتکس را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد .  
وقتی کورتکس به میزان مختصری  
تحت تاثیر الکل قرار گرفت باز هم کم و بیش  
کار خود را از نظر سانسور و صدور فرمان  
میتواند انجام دهد ولی نکته مهم در این  
زمینه آن است که با ضعیف شدن سانسور و  
فرمانروائی میزان درک حواس پنجگانه نیز  
کاهش می‌یابد و بدین ترتیب مغز انسان از  
دو جهت تحت فشار قرار می‌گیرد .

پس از آن هر چه بیشتر الکل وارد  
خون شود ، از طرفی اراده و مکانیسم سانسور  
بیشتر تحت تاثیر قرار می‌گیرد و از طرف  
دیگر ادراک و تماس حواس انسانی نیز ضعیف  
تر می‌شود .

پس از آن سرعت انتقال که در هر  
شخصی میزان معینی دارد ، شروع به آهسته  
شدن می‌نماید و در نتیجه شخص مست برای  
این که چیزی درک کند و عکس العمل نشان  
دهد مدت زیادی وقت لازم دارد .

قضاوت و قوه تشخیص هم ضعیف



اندک از بین می‌رود ، همه منظره صحبت کردن راه رفتن ، و حتی خندیدن آدم مست را دیده‌اند که تا چه میزانی زنده است .

زن و مرد مست که در کنار هم باشند در این مرحله به زنده‌ترین حرکات دست میزنند ، حرکات و رفتار آنها آن قدر نامتعادل و بیمارگون است که شخصی که آنها را نظاره می‌کند عینا مثل آن که یک تصویر مغشوش و نامنظم را تماشا می‌کند . چند لحظه دیگر که از این مرحله بگذرد سم الکلی باعث ناتوانی کامل آنها شده و هردو در کنار هم از پای درمی‌آیند . مسلم است که اگر از اول این زن و مرد در کنار هم باشند وقتی که هنوز الکلی قدرت حرکت و فعالیت را از آنها نگرفته همان جریان آتش و پنبه صورت پذیرفته و اگر هم نفس زناکاری در همان جلسه اول اجرا نشود ، مقدمات بی‌عفتی آغاز شده و در جلسات بعدی کار یکسره خواهد شد .

xxx

بسیاری از مردم تصور می‌کنند که الکلی یکی از داروهای است که باعث تقویت و تحریک امور و فعالیت‌های جنسی می‌گردد . این تصور غلط از آنجا ناشی شده

زن ستایش کند ، دست خود را دراز می‌کند تا این زن را نوازش نماید ولی به جای نوازش ممکنست به او مشت یا ضربه بزند .

چقدر جای تعجب است وقتی که مشاهده کنیم آن زن مست همان ضربه یا مشت مرد را بجای نوازش قبول می‌کند چون ادراکش مختل گشته است .

این زن و مرد در این مرحله تحت تاثیر عوامل دنیای خارج قرار نمی‌گیرند چون مثل آن است که تامیزانی داروی بی-حسی به آنها تزریق شده باشد و می‌دانیم که الکلی هم این خاصیت بی‌حس کننده را دارد و در قرنیه‌ها پیش به جای داروی بیهوشی در اعمال جراحی به کار می‌رفت .

در این مرحله مرد خود را نیرومند و مهم احساس می‌کند و زن به همان نسبت خود را جذاب و فریبنده و باشخصیت .

مرد لاف می‌زند و زن وعده و وعید میدهد و البته تمام اینها حرف است .

چون ادراک شخصی مختل شده و تقریبا از میان رفته استعداد و قابلیت درک لذت نیز از میان می‌رود و از همین مرحله آدم مست ( خواه زن و خواه مرد ) شروع می‌کند که آن حالت لذت و نشئه مستی را اندک اندک از دست بدهد .

به همین ترتیب توانائی شخص برای حرکت و انجام کارهای گوناگون اندک

هر روز در ساعت معین مجبور بود سینی مشروب را مقابل خود بچیند ، آنوقت اندک اندک علاقه و اشتهایش نسبت به امور جنسی کاهش می یابد تا به آنجا می رسد که گاه و بی گاه فقط هوس به صورت شعله زودگذر در ذهنش نسبت به این مسائل پیدا می شود و بعد هم فوراً این هوس خاموش می گردد .

### دواثر عجیب الککل

الکل در مسئله بی عفتی دو اثر مهم و عجیب دارد . اول آن که قیود و ممنوعیت و مسئولیت و خلاصه مکانیسم سانسور و اراده را از بین می برد در نتیجه زن و مرد متاهل ، اجرای بی عفتی را خالی از اشکال تلقی می کنند ، چون در آن لحظه هیچ نوع محدودیت و قیدی در وجودشان نیست .

دوم آن که وقتی کار از کار گذشت چون هنوز الککل در خون و مغز وجود دارد بی درنگ خاطره جریان را از ذهن پاک می کند به طوری که بعدها حتی برای خود شخص ( هم مرد و هم زن ) جریان واقعه به طرز مبهم و گنگ به خاطر می آید .

قضاوت دادگاه در موارد اختلافات زناشویی با این جمله آشنائی فراوان دارند :  
" من مست بودم و درست نمی دانم  
بعد از آن دیگر چه واقعه ای رخ داد . . . "

که نوشیدن الککل در کسانی که سخت خجالتی بوده و به اصطلاح روانشناسان ممنوعیت های روانی دارند ( آدمهای محبوب و بی دست و پا ) مختصری باعث رفع قیود و بسوزش شجاعت می گردد .

چنین افرادی بطور کلی در زندگی متعادل رفی تحت تاثیر یک سلسله قیود و کمپلکس هائی هستند که یک آدم معمولی و طبیعی فاقد آنهاست ، حرف زدن ، معاشرت ، و فعالیت در اجتماع به طور کلی برای آنها دشوار است به همین میزان هم اجرای امور جنسی برای این دسته از افراد بسیار بسیار دشوار است . در چنین موارد خاص و در افراد به خصوص ممکن است نوشیدن میزان قلیلی الککل تا اندازه ای سانسور شدید و سنگین مغز آنها را سبک کرده و به اصطلاح دست و پایشان را باز نماید .

اما فراموش نکنید حتی در این موارد هم اگر اندکی از حد تعیین شده تجاوز کرد دیگر الککل اثر داروئی خود را از دست داده کارسم و زهر را خواهد کرد .

حقیقت امر آن است که نوشیدن الککل نیروی جنسی را در مرد ضعیف میکند و اگر زن الکلی شود سرد مزاج خواهد گردید مرد الکلی یامست ممکن است در مورد امور جنسی خیلی لاف بزند ولی عملاً ناتوان است وقتی شخصی معتاد به الککل شد و

مغز، کبد، اعصاب، چهارهاضمه قلب... اینها هستند که سلولهایشان بر اثر استعمال الکل بیچاره شده از میان می روند و لابد شنیده اید که مطابق آخرین تحقیقات دانشمندان زیاده روی در نوشیدن الکل سرطان هم می آورد.

آقای دکتر "سرکیسیان" متخصص در جراحی عمومی و سرطان عقیده دارد که الکل یکی از عواملی است که در ایجاد سرطان معده و سرطان کبد اثر دارد.

آنان که الکل را به مقدار زیاد و مرتب مصرف می نمایند در سنین متوسط و بالاتر یعنی از ۳۵ و ۴۰ سالگی به بعد دچار بیماری "سیروز" کبدی می شود و این سیروز کبدی باعث به وجود آمدن سرطان کبد می گردد باید دانست که تنها الکل باعث بیماری سیروز کبدی نمی شود و عوامل دیگر نیز موثر است ولی سیروز کبدی در نزد معتادان به الکل بسیار شایع است.

مورد دیگری که الکل زیان می رساند معده است که باعث می شود مخاط معده از بین برود و سرطان معده شایع گردد.

آقای دکتر فریدون مفخم صنیعی متخصص بیماریهای غده مترشح و متابولیک می گوید:

به طور کلی مصرف کنندگان مواد الکل دار به دودستاند کسانی که به مقدار

و جالب آن که این جمله هم از طرف زن ادا می شود و هم از طرف مرد.

در کوکتیل پارتی ها که زن و مرد با هم به مشروب خوردن می پردازند موقعیت از هر جهت فراهم شده است و زن و مردی که در این چنین مجالسی برای نخستین بار با یکدیگر آشنا می شوند (خواه متاهل باشند و خواه مجرد) خیلی زود بدیدن یکدیگر می روند و معمولاً جلسات دوم و سوم راهم در مجالس دیگری نظیر اولی (کوکتیل پارتی) قرار ملاقات می گذارند و در همین مجالس نیم بطری یا حداکثر یک بطری ویسکی مثل آب خوردن اثاث و بنیان خانواده های را بر هم می رند و چه بسا که کودکان معصومی تا آخر عمر رنج بی پدری یا مادری می کشند.

xxx

بحث ما در این مقاله پیرامون اثرات و زیانهای نامطلوبی بود که الکل در روح و روان شخص به وجود می آورد و او را تبدیل به آدمی دیگر (آدم عوضی) می نمود برای تشریح زیانهایی که الکل بر جسم شخص وارد می آورد به یک یاد مقاله نمیتوان اکتفا کرد، فقط ما فهرست وار اعضایی را که در درجه اول از الکل آسیب می بینند برایتان ذکر می کنیم:

کم و گاهی می نوشند که در این صورت الکل برای بدن آنها ضرر زیاد ندارد و سم الکل از طریق ادرار دفع می شود . اما چون کبد الکل را خورد می کند به همین جهت الکل زیاد کبد را خسته و مریض می کند .

دسته دوم افرادی هستند که معتاد به الکل شده اند و بنابراین در معرض بیماریهای کبدی و معده هستند که ممکن است منجر به سرطان شود . وقتی مقدار مصرفی الکل زیاد شد تمام سلولهای کبدی به فعالیت واداشته می شوند سلول های کبدی خود از سیئوپلاسما و هسته و آذیمهای درست شده اند که قادر به گرفتن مواد سمی بدن و شکستن آن هستند ولی مصرف الکل باعث می شود که چربی بگیرد و بیماری کبدی حاصل شود . این بیماری بنام " استراتوز سیاتیک " نامیده می شود و می توان گفت که تقریباً الکلیک ها در آخر به این بیماری مبتلا می شوند در کالبدشکافی از آدمی که چندین سال سابقه مصرف الکل داشته ، خواهیم دید که کبدی بسیار کوچک دارد و رنگ آن متمایل به نارنجی است . زمانی که کبد یک شخص ، مریض و ناتوان می شود باید گفت که سیستم دفع سم بدن او از بین رفته است این اشخاص بی نهایت در برابر عفونت ها ضعیف هستند ، قدرت صفرا سازی در بدن آنها از بین می رود ، هضم خوبی ندارند ،

اشتهایشان کم می شود و قوه جذب معده نقصان می یابد و بیماری لاغری مفراط در آنها شروع می گردد . در این موقع تمام این عوامل خطرناکی که ناشی از بیماری کبدی و خستگی مفراط آن است روی اعصاب اثر می گذارد و ایجاد لرزش در دست ها و پاها می نماید .

اما به هر حال رابطه بین الکل و سرطان غیر مستقیم است و الکل را می توان تنها یکی از عوامل آن به شمار آورد .

آدمها در زمان جوانی به سرطان معده و یا کبد که در اثر مصرف زیاد الکل باشد مبتلا نمی شوند بلکه وقتی به ۳۵ یا ۴۰ سالگی رسیدند و بدن آنها دچار ضعف شد کبد نیز ضعیف می شود و سلولهای معده خوب ترشح نمی کند حتی جذب معده هم بد می شود و علامت کم خونی ظاهر می گردد زیرا عوامل خونزای بدن که ویتامین ب<sub>۱۲</sub> باشد در معده ایجاد نمی گردد وقتی تمام این عوامل بیماری را در افراد جمع شد مسلم است که با احتمال بسیار قوی مستعد ابتلا به بیماریهای زخم معده ، سرطان معده و سرطان کبد خواهند بود . که نظایر آن نیز بسیار مشاهده شده است .

این افراد قبل از این که سرطان بگیرند حساسیت عجیبی نسبت به خوراک گوشت و رژیمهای غذایی گوشتی پیدا میکنند

مضرات الکل به قدری زیاد است که حتی نوشیدن یک ذره الکل را نیز نمی توان توصیه کرد چون به مقدار لازم آن برای بدن در داروها موجود است و در صورت لازم تجویز می شود .

بنابراین از نوشیدن الکل به خاطر ضررهای بی شمار آن باید اجتناب ورزید زیرا گذشته از عوارض جسمانی باعث سستی در عقاید و ایمان افراد می شود و چه بسا جرائم و جنایات زیاد که این قبیل افراد مرتکب آن می شوند .

ناگفته نماند که الکل در اصل ، ماده بی زیانی نیست و هرچقدر که میزان ناخالصی الکل - از قبیل الکل متیلیک - بیشتر باشد زیان بخشی آن نیز بیشتر خواهد بود . مثلا الکل در اختلال دستگاه گوارش بی تاثیر نیست و در فرانسه که مردم به طور متوالی از شراب مینوشند ، افرادی که به سیروز کبدی - ناشی از مصرف الکل - مبتلا هستند از سایر نقاط جهان بیشتر است . . .

تلخیص از جرائد و مطبوعات

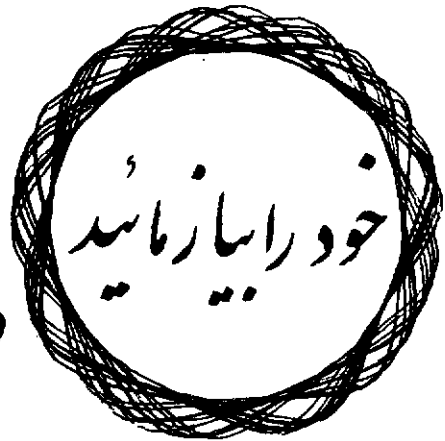


پروتئین از مواد لازم و اساسی برای سلامت بدن الکلیک ها است ولی آنها قادر بخوردن آن نیستند زیرا از هضم و جذب آن عاجز هستند به طور حتم کسی که به صورت یک معتاد الکلی در بیاید بیشتر از ۵۰ سال زندگی نمی کند و در آخر هم با وضع فجیعی دنیا را ترک می کند که آنها در اثر ناتوانی شدید کبدی است .

### زیانهای الکل نوشی

یکی از پزشکان و متخصصان در بهداشت صنعتی در مورد رابطه بین الکل و سرطان می گوید :

- تا آنجایی که من می دانم الکل باعث ناراحتی های جهاز هاضمه و اعصاب و روان و همچنین باعث ضعف اعصاب ، انواع جنون و ناراحتی کبدی (سیروز) می باشد و این سیروز است که سرطان را تولید می کند "سیروز" سفتی بافت های کبدی است که به علت الکل نوشی زیاد ایجاد می شود . روی این اصل در ممالک پیشرفته جمعیت هائی تشکیل می شود که مخالف با مصرف مشروبات الکلی هستند و با برنامه هائی که دارند نسل جوان را هدایت می نمایند و آنان را متوجه امراض عصبی ، روانی و بدنی حاصل از الکل می کنند .



# و به حساب خود برسید

با پاسخ دادن به این سئوالات به حساب خود برسید  
پیش از آنکه بحساب شما برسند .

۷۰ سال یا ۲۵۵۵۰ روز چقدر گذشته و چقدر باقیمانده است و آیا باقیمانده نیز مانند گذشته که اقلاً ثلث آن در خواب سپری گشته خواهد بود و یا بهتر و بیشتر از آن استفاده خواهیم کرد؟

زنهار بقیه را در خواب غفلت نگذرانیم  
علی (ع) می فرماید کوچیدن نزدیک است .  
عمری که هر لحظه آن بسیار ارزشمند و مغتنم است به خیرگی از دست ندهیم .  
پیشوایان ما نقل شده است که فرصت ها را دریابید که همچون ابرها میگذرند .  
اوقات فراغت را پس از کارهای شخصی و خانوادگی به بطالت نگذرانیم و اقلاً با کتاب انس و آشنائی پیدا کنیم و از این پند دهنده ۶

از نظر اسلام لحظات عمر و مساله اوقات فراغت و چگونگی استفاده و بهره برداری از آن بسیار مهم و قابل توجه است .  
متأسفانه بعضی افراد ، اوقات فراغت را بیهوده به هدر میدهند .

ابتداءً باید سعی کنیم اوقات فراغت صرف کار حرام نشود و در درجه دوم باید سعی کنیم حداکثر استفاده را از اوقات فراغت و بیکاری بنمائیم .

اگر بفرض هفتاد سال عمر کنیم ، سن ما شامل (۲۵۵۵۰) روز می شود ، همچنانکه به امور زندگی خود رسیدگی می کنیم اندکی نیز باید به چگونگی سپری شدن عمر خویش بیاندیشیم ، ببینیم از این عمر فرضی یعنی

بی زبان سود بگیریم . شما چقدر مطالعه دارید و چه مقدار از اوقات فراغت را صرف مطالعه می کنید؟ چه بسیار مردمی که ساعتها اوقات فراغت خود را در قهوه خانه ها یا پای کرسی در خانه یا غیبت و حرفهای بیهوده تلف می کنند ، اگر دیناری از آنان گم شود ، در جستجوی آن برمی خیزند و بر فقدهایش افسوس می خورند ولی چرا از گذشت ساعت های عمر متاسف نشویم مگر میشود با میلیاردها تومان حتی یک لحظه از عمر را برگرداند؟ نقد عمر را چه میکنید و در بازار دنیا با چه ثمنی خریداری خواهید کرد؟ آری یک لحظه از عمر را بیهوده تلف نکنید ساعتها از عمر ما در بین راه و در صف اتوبوس و یا اطاق انتظار و یا در میدان های مسابقه و تماشا و بازیهای گوناگون از دست می رود ، که شاید هیچ بهره ای از آن نبریم .

یکی از فلسفه های کتاب جیبی این است که حمل و نقل آن آسان باشد و بتوان در فرصتهای کم آنرا مطالعه کرد .

استادی می گفت فلان زبان را در اتوبوس آموختم .

البته نمیگوئیم تفریح نداشته باشید میگوئیم بیهوده وقت خود را تلف نکید عمر را با ختن و بحرام مشغول بودن و یانه برای دینا و نه برای آخرت کار کردن حسرت آور است . در جلسات خانوادگی

وقتی دور هم جمع می شوید کتاب مفید داستان های آموزنده اسلامی و حدیث و مسائل مذهبی بخوانید و بیاموزید و اکنون بسئالات ما پاسخ دهید و خود را بیازمائید و بحساب خویش برسید پیش از آنکه بحساب شما برسند .

در صورتی که جمع نمرات شما ۱۳۰ باشد خوشحالی حال شما پروردگار را شکر کنید و ادامه توفیقات را خواستار شوید و اگر جمع نمرات بیشتر از ۸۵ باشد خوشوقت باشید و باز هم سعی کنید از اوقات عزیز عمرتان استفاده بیشتری بنمائید و هرگاه جمع نمرات شما به ۶۲ رسیده باشد متوسط هستید بکوشید تا پیشرفت کنید و اگر جمع نمرات شما کمتر از ۶۲ باشد متاسفانه شما زبانکار هستید و تادیر نشده ب فکر چاره و جبران باشید :

۱- در صف اتوبوس یا در اتوبوس و قطار یا هر فرصت دیگر در " حضر و سفر " چه میکنید آیا گاهی با کتابهای جیبی خود را گرم مطالعه میکنید؟

اغلب مطالعه می کنید ۲

بیکار می نشینید ۰

۲- هنگامیکه پیاده در کوچه و خیابان راه میرید آیا ساکت هستید؟ یا گاهی اوقات که خسته نیستید یاد خدا می کنید؟

گاهی یاد خدا می کنید ۲

ساکت ۰

- ۹- آیا برنامه‌های غیر مفید را دیو  
و تلویزیون وقت شمارا در صبح و ظهر و شب  
میگیرد؟
- برنامه‌های غیر مفید را نمی‌گیرم ۳  
بلکه از کلیه برنامه‌ها استفاده می‌کنم ۵
- ۱۰- آیا در تمام روز و ساعت‌های  
زیادی از شب کار میکنید؟
- بله کار میکنم ۵  
نه بیش از حد کار نمیکنم ۱
- ۱۱- آیا مجلات غیر مفید را در هر  
هفته مطالعه می‌کنید؟
- بله مطالعه میکنم ۵  
مجلات غیر مفید را مطالعه نمیکنم ۲
- ۱۲- آیا کتابها و مجلات دینی را  
مطالعه میکنید؟
- کتاب و مجلات دینی میخوانم ۲  
کتاب و مجلات دینی نمی‌خوانم ۵
- ۱۳- آیا صبح و ظهر و شب بنماز  
جماعت در مساجد شرکت میکنید؟
- برای هر نوبت ۲ نمره منظور دارید
- صبح ۲  
ظهر و عصر ۲  
مغرب و عشاء ۲  
هیچ ۵
- ۱۴- آیا در مجالس سازنده دینی  
شرکت می‌نمائید؟
- شرکت می‌کنم ۲

- ۳- آیا روزی بر شما می‌گذرد که  
کتاب مفید مطالعه نکرده باشید؟
- هر روز مطالعه دارید ۲  
تقریباً روزانه مطالعه ندارید ۵
- ۴- آیا در جلسات خانوادگی  
صحبت‌های سازنده دارید و یا با خواندن  
کتاب سودمند، دیگران را سرگرم می‌نمائید و  
یا غیبت و صحبت‌های بیهوده مینمائید؟
- سخنان مفید و یا قرائت کتاب ۲  
غیبت یا سخنان بیهوده ۵
- ۵- آیا بعضی اوقات بیهوده و بیکار  
بسربرده و کاری برای دنیا و آخرت انجام  
نمیدهید؟
- نه ۱
- ۶- آیا شوخی‌های شما با دوستان  
و معارفانتان مودبانه و عاقلانه است یا خارج  
از نزاکت و ادب؟
- مزاح مودبانه ۱  
مزاح خارج از نزاکت ۵
- ۷- آیا در محل کار خود کتاب در  
دست دارید تا در فرصت مناسب مطالعه نمائید
- بله مطالعه میکنم ۱  
کتاب ندارم ۵
- ۸- آیا بزنان بیگانه نگاه نکرده و  
با آنها صحبت‌های غیر ضروری نمی‌کنید؟
- نگاه و صحبت غیر ضروری نمی‌کنم ۲  
نگاه و صحبت می‌کنم ۵



۱۸- آیا هر چه برای خود میخواهید

برای دیگران نیز میخواهید؟

بله می خواهم ۲

نه می خواهم ۰

۱۹- آیا اکثر روزها موفق میشوید

که شبانه روز هیچکس را از خود نرنجانید؟

اغلب روزها نمی رنجانم ۳

گاهی می رنجانم ۱

اغلب روزها افرادی را می رنجانم ۰

۲۰- آیا مقداری از اوقات شما

صرف دود و دخانیات می شود؟

عدم اعتیاد به دخانیات ۱

اعتیاد به دود و دخانیات ۰



شرکت نمی کنم ۰

۱۵- آیا در محلی که مطالعه مقدور

نیست و باید مدتی منتظر باشید و خستگی

شمارا رنج نمیدهد مروری به محفوظات خود

می کنید یا ساکت هستید؟

مرور می کنم ۲

ساکت هستم ۰

۱۶- آیا غیبت هم می کنید؟

نمی کنم ۲

می کنم ۰

۱۷- آیا هر روز صبح قرآن تلاوت

می کنید؟

هر روز صبح قرآن میخوانم ۲

گاهی می خوانم ۱

هیچ روز قرآن نمی خوانم ۰

### مکتب اسلام

### بقیه تلویزیون و اطفال

ناگفته پیداست که تنظیم کنندگان مقاله فوق به علل گوناگونی که غالباً روشن است سعی کرده اند خطراتی که از نظام تلویزیونی کنونی دامنگیر کودکان بی گناه می گردد کمرنگ نشان دهند، ولی اگر آمار و ارقام گویاتری را که امروز دردسترس ماست به دقت بررسی کنیم و شواهد عینی مسأله را بدون چشم پوشیهای تعصب آمیز در کنار آن بچینیم آنگاه خواهیم دانست که ابعاد خطر وضع برنامه های کنونی تا چه گسترده و عمیق است.

دارد و با قدم گذاشتن به مرحله نوجوانی رفته رفته این تمایل در او روبه گاهش میگذارد بنابراین پدران و مادرانی که کودکانشان سالهای آخر دبستان و دوره ای راهتمائی را میگذرانند باید بیشتر مواظب فرزندان خود باشند تا مبدا تماشا ی بیرویه ی برنامه های تلویزیون در وضع تحصیلی آنان ایجاد اختلال نماید.

"مطبوعات"

## بقیه انحراف از مسیر اصلی اسلام

می‌پردازند<sup>۷</sup> بعد از وفات آنحضرت، این کج‌فهمیها و انحرافها و بدعتها چنان در میان مسلمین رواج پیدا کرد که بسه قول

امیرالمومنین علیه السلام "اسلام مانند پوستین وارونه پوشیده شد"<sup>۸</sup> و پیش آمد آنچه راکه می‌دانیم و می‌بینیم<sup>۹</sup>



۷- بدو الاسلام غریبا و سیعود غریبا كما بدء فطوبی للغریاء الذین بمسکون یکتاب الله حین یتروک و یعملون بالسنة حین تطفی و یصلحون عند فساد الناس (الاعتصام ج ۱ ص ۱۸-۱۹)

۸- امام علیه السلام در خطبه ۱۰۶ نهج البلاغه معروف به خطبه "ملاحم" پس از شمردن یک سلسله انحرافها می‌فرماید "لیس الاسلام لیس الفرو مقلوبا"<sup>۹</sup> در باره انحرافها و بدعتها و اشکال گوناگون آن مراجعه شود به دو کتاب "تلبیس ابلیس" ابن جوزی و "الاعتصام" شاطبی که حقا در این زمینه بطور مستوفی به رشته تحریر درآمده‌اند.

در سرعت ادراک و فهم، در انجام کار وابسته به آن، بسیار موثر است.

## بقیه برد حواس ما محدود است

مسائل متافیزیک از این گونه‌ها ارتعاشات است که بیرون از مرز بیستینیه‌ها و کمینه‌های حواس ماست، و بنا بر این با ابزار و وسائل و گیرنده‌های فعلی حواس خود نمی‌توانیم آن‌ها را بشناسیم. اگر چنین است چرا باید با انکار ونفی آن خود را فریب دهیم. نه. باید هر چه را که با عقل و منطق فعلی ماکه اسیر حدود و حضور مشخص است، جور نمی‌آید در حیز امکان بگذاریم. از آن جمله است مسائل مذهبی، روح، بقای روح و غیره.<sup>۱</sup>

بقیه نکته‌های جالب روانی در قرآن و احادیث کودک در ابتداء تولد بکلماتیکه از

مادرش می‌شنود انس می‌گیرد، پس از مدتی بواژه‌های آن زبان آشنا شده و بر اثر تکرار بمجرد شنیدن آن الفاظ بمعانی آنها پی می‌برد نخست کودک ناچار است تمام حواس خود را روی الفاظ متمرکز سازد تا معانی را درک کند اما پس از آنکه بسن رشد رسید چون زیاد تمرین کرده است بدون هیچگونه وقفه‌ای بسرعت، مفاهیم کلمات به ذهنش القاء می‌گردد.

حال اگر غیر از زبان مادری زبان دیگری را بیاموزد، مسلم است آنطور که باید بر این زبان مسلط نیست و در این صورت است که موقع شنیدن واژه‌های این زبان بظواهر آنها می‌پردازد، تا از چگونگی لغات به معانی آنها پی برد، بنابراین، ورزیدگی

۱- نقل از مجله روان پزشکی شماره اول سال ۱۳۵۴